

## در پس پرده



داکتر و. خاکستر

خاستگاه این نبشته بر میگردد به برگردان و نشر نسبتا دامنه دار از کار کرد های ظاهرا " افتخار آمیز " استالین در سایت " پیام نهضت " . دوباره نویسی این چند رویداد ، گفتمان " میان چپی " زادگاه ما را ، باب فتح اگر نشود ، اما تابوی "ننوشتن از مقدسات " شاید که درز بردارد . ستایش از استالین ، هیچ افتخاری در بر ندارد . بهای جان چهار [ تا چهارده ] میلیون انسان را نادیده گرفتن ، مگر گرایش به چپ تلقی میگردد؟ به هیچ وجه . نوای استالین را نای شدن ، حامل شیفتگی شدن است و در تقصیر را بگشودن . سود جویی از عظمت گرایی استالین به قصد توجیه افزایی چپ ، چرخیدن در یک دایره را میماند و انجامی ندارد . **دکتاتوری بر پرولتاریا با استالین آغاز گشت .**

بریده ی نامه ی لنین پس از سگته مغزی :



"رفقا ! رفیق استالین پس از بدست گیری پست منشی عمومی ، بگونه ای غیر معمولی ، قدرت را در خود متمرکز کرده است و من اطمینان ندارم بتواند آنرا به نوع بایسته ، استفاده کند . و این حالت در دستان یک منشی عمومی غیر قابل تحمل است . به همین خاطر پیشنهاد میکنم که رفقا فکر کنند و یک فرد شایسته را به عنوان منشی عمومی برگزینند " و . لنین

لنین پس از سگته مغزی

## خانه وحشت



سال ۱۹۳۱ بود که ساختمان معروف به "خانه ساحلی" ، برای انقلابیون و نیز کارمندان ارشد کمیته مرکزی به اکمال رسید. درست در چند صد متری کاخ کرملین . کارمندان بلند مرتبه و از جمله " نیکیتا خروشچف " منشی اول " شهر ماسکو و نیر " سویتلانا " دختر استالین جزو باشندگان آن ساختمان چند صد پارتمانی ، شمرده می شدند. اما فقط هفت سال کافی بود هفتاد درصد باشندگان آنجا در طی سال های تصفیه استالینی نابود گردند و اموال آنان استرداد و خانواده هایشان به عنوان " ضد انقلاب " از آنجا رانده شوند. رهبران رده اول بسان کامنف و بوخارین و زینوف از همین خانه وحشت گرفتار و پس از محاکمات ظاهری ، نابود گردیدند.



## روایت دردناک

**رادا خروشچفوا** دختر خروشچف و **مارگریتا میخاییلوا** دختر سر مهندس ساختمان در دست ساخت کمیته مرکزی، که همبازی و همسایه روبروی همدگر در آن خانه وحشت بودند ، رویداد دردناکی را از سر گذرانده اند ، که در هفتاد سالگی هنوز آنان را می آزارد. در یک شام سرد مردان مسلح و سیاه پوش اداره امنیت موسوم به " ان.ک.و.د " میخاییلووا پدر مارگریتا را بی هیچ گفتاری با خود میبرند. او به علت ارتباط کاری، بار بار با خروشچف دیدار کرده بود و بر علاوه آشنایی و همسایگی، همکاران خوب همدیگر محسوب میگردیدند . مارگریتا ، مادرش و دو خواهر کوچک او، پس از دستگیری او ، چه شام ها که چشم به در ندوختند و اما چه سود ، پدر برنگشت. مارگریتا هفت ساله، همبازی رادا خروشچف ، شام یکروز ، با نامه ای در دست ،

منتظر " خروشچف " می ایستد تا آنکه ناوقت های شب ،منشی اول شهر ماسکو با محافظان سر میرسد و مارگریتا امیدوارانه ، نامه را به او می سپارد .واکنش منشی اول بسیار ساده و سریع بود :**از اینجا دورشان کنید** .فقط همین نه کم و نه زیاد . شام بعدی مردان مسلح رخ می نمایند و همه چیز خانه را زیر و رو میکنند ،اشعار مادر کلان و نیز نخستین مشق های شاعرانه ای مارگریتا را با خود میبرند و ظروف خانه را در هم میشکنند و گاهی که خطاب " ضد انقلاب " را سر میدهند ،اشک در چشمان مادر حلقه میبندد .او سنگینی این برچسب و پیامد های آنرا به خوبی در میابد.

انستیتوت کاوش های جنگ در بوخوم در پاسخ نامه ی از رادا نوشت :**"کاوش های ما نشان میدهد که ،سر مهندس واسیلی میخاییلوا ،به دستور منشی اول شهر ماسکو خروشچف ،مشمول تصفیه و در اولین فرصت تیر باران گردید است"** . رادا و مارگریتا پس از شصت سال با هم دیدار کردند و " رادا خروشچف " تازه پی برد به راز نابودی پدر و آواره شدن خانواده مارگریتا ،دوست نازنینش . خروشچف منشی کمیته شهری ماسکو در راه رسیدن به پله های ترقی همدم و همپایه استالین بود و در برنامه تصفیه سازی پلان شده ، به استالین وعده سپرده بود سی هزار حزبی و غیر حزبی را که ، گمان میبردند ،در صدد تخریب دولت اند مشمول تصفیه کند . "کمیته پیگیری جنایات استالین [ ۱۹۹۷ ] یادداشت کرده است :**" کمیته شهری ماسکو توانست بود ،چهل و دو هزار را نفر را در سال های سی و یک تا سی و هفت به عنوان " ضد انقلاب " نشانی و نابود کند،دوازده هزار نفر بیش تر از برنامه استالین .زندانیان اردوگاه های کار اجباری از این آمار خارج اند "در اوج سالهای تصفیه ،نیکیتا خروشچف سمت منشی اول اکرایین را از آن خود کرد و به عضویت دفتر سیاسی درآمد . مرد قدرتمند ماسکو ،به همبازی دخترش نیز رحم نکرد و تن به در بدری او داد.**

### **بهره جویی از پیکر بیجان**

برغم وصیت نامه لنین و نیز خواست کروپسکایا همسر او و نیز همسر زمان ، مبنی بر به خاک سپاری لنین در پتروگراد ودر کنار مادرش ،این استالین بود که با نوعی جبر ،دیگته کرد ، پیکر

بی جان او را ،مومیایی کنند و در میدان سرخ برای دید همگان بگذارند و بدینگونه جو کاذبی را ایجاد کرد که رهروان "ایلیچ" را، ظاهرا با خود همسو و بعد ها آنانرا نابود سازد.



## لنین و داستان عشق آرماندا

دستگاه تبلیغاتی اتحاد شوروی ، هفتاد سال تمام نگذاشت همه بدانند لنین ،در پهلوی همسرش " کروپسکایا " ، دل به یک زیباروی اتریشی تبار مارکسیست باوری داده بود به نام " آرماندا " .همانکه در اتریش در صد متری رهایشگاه در تبعید لنین میزیست و در آستانه پیروزی انقلاب، به پتروگراد رفت تا با جان رید معروف به عنوان تنها دو خارجی،شاهد سخنرانی های سلطنت بر انداز تروتسکی و لنین باشند .بعد از پیروزی انقلاب ،او توانست در چند صد متری کرملین صاحب رهایشگاه استثنایی و تیلیفون ویژه ای شود که تنها برای رده های بالای حزب ،قابل دسترسی بود.کروپسکایا ی آشفته ظاهر ،به همه چیز پی برده بود ،اما چه میتوانست بکند ؟سه سال بعد، آرماندا گرفتار محرقه شد و لنین او را به رهایشگاه تفریحی در کریمه فرستاد .لنین باری تلگرامی جانکاهی از آرماندا در یافت کرد : " ایلیچ عزیز . امید ی نیست ،بیمار گرفتار محرقه ، هرگز بهبود نمی یابد " . آرماندا در همانجا جان سپرد .الکساندرا کولون تای مینویسد : " ایلیچ هرگز نتوانست مرگ آرماندا ی زیبا را باور کند."

آویزه ها :من از منابع زیر ، فراوان بهره گرفته ام :

1: Matthias Schepp /Urlaub von der Revolution / Spiegel Special 2007

2: Simone Schindwein /Das Haus des Schreckens

3: NKWD(Volkskomisariat für innere Angelegenheiten) : کمیته مردمی امنیت داخلی بعد ها

ک.گ.ب

۴: جان رید نویسنده کتاب " ده روزی که دنیا را لرزاند "

۵: دختر استالین سویتلانا ، چهار با عروسی کرد ، در سالهای سیادت خروشچف، موفق شد از راه هند به آمریکا برود و تابعیت آنجا را بپذیرد.او هم اکنون در آمریکا زنده گی بسر میبرد و کتاب خاطرات او جز پر فروشترین ها ،حساب میگردد.

۶: وصیت نامه لینن مه به کمک کروپسکایا و در مدت دو هفته و با چند بار حک و اصلاح نوشته شده و بعد از مرگ او ،مخفیانه با همراهان او در میان گذاشته شد.استالین تمامی کسانیکه را که لنین ستایش کرده بود ،بعد هانا بود کرد.

۷: شیوه های بازداشت دوران استالین ،در کشور های همسو با سیاست های شوروی و از جمله افغانستان ،کامان به همان شیوه و شدت بسا کمتر، اما ادامه یابید.

۸: باری و همین " ح.امین " خود ما گفته بود ،دوست دارد استالین افغانستان باشد.او به عهدش وفا کرد.

azimiwassi@yahoo.de: نشانی برقی